

Equivalences of Similes and Compound Adjectives in Translation of Sermons and Letters of Nahj al-Balagha

tt nnn nnnni'''' ' iiiiii ii ooø sssss ssss s s uu::
ppppppp ppiii ii i ss a00000 0000

Ali Sayadani * 

Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran

Yazdan Heydarpour Marand 

M.A. in Arabic Translation, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran

Abstract

One of the challenges that translators of literacy and non-literary texts face is rendering and finding equivalents for figures of speech. In this regard, translating simile and compound adjectives are of great importance. Most of the challenges in translating such figures of speech are due to cognitive and cultural differences between the source and target languages. By paying attention to the differences, translators can overcome the challenges. Using a descriptive-analytical method, this study dealt with the nature, function, and criteria of categorizing similes and compound adjectives in Bahrampour's translations of Sermons and Letters of Nahj al-Balagha. Applying Pierini's (2007) model, the study then explored the strategies used for dealing with problems in translating the figures of speech. Pierini uses domestication strategy for translation in such cases. Considering the strategy, he introduces two strategies for compound adjectives and six strategies for translating similes. The results show that when translating all compound adjectives and similes, the used translation methods that are based on domestication of language and culture, are appropriate and applicable; since in this translation, Bahrampour has used a literary method and the correspondence shows the closeness between source and target languages.


Keywords: Translation Strategies, Pierini, Simile, Compound Adjectives, Nahj Al-balagha, Bahrampour's Translation.

* Corresponding Author: a.sayadani@azaruniv.ac.ir

How to Cite: Sayadani, A., Heydarpour Marand, Y. (2022). Equivalences of Similes and Compound Adjectives in Translation of Sermons and Letters of Nahj al-Balagha based on Pierini's Domestication Model (Case Study: Bahrampour's Translation, 2017). *Translation Researches in the Arabic Language and Literature*, 12(26), 165-193. doi: 10.22054/RCTALL.2022.65424.1598

برابریابی‌های تشبیه و صفات مرکب در ترجمه خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه بر اساس الگوی بومی گزینی پیرینی (مطالعه موردی: ترجمه بهرامپور)

دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز،
 ایران

علی صیادانی * 

کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز،
 ایران

یزدان حیدرپور مرند 

چکیده

از مهم‌ترین مباحثی که در ترجمه متون دینی و ادبی، مترجم را به چالش می‌کشاند بحث برگردان و برابریابی‌های آرایه‌های ادبی است. در این بحث واکاوی دو مقوله ترجمه تشبیه و صفات مرکب از اهمیت خاصی برخوردار است. بیشتر چالش‌ها و مشکلات مترجمان در ترجمه چنین آرایه‌هایی به جهت تفاوت‌های نوع شناختی و فرهنگی بین دو زبان است. مترجم می‌تواند با در نظر داشتن این تفاوت‌ها تا حد زیادی بر این چالش‌ها تسلط یابد. پژوهشگران در جستار حاضر به روش توصیفی-تحلیلی ابتدا به ماهیت، عملکرد و معیارهای طبقه‌بندی تشبیهات و صفات مرکب در ترجمه خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه از بهرامپور می‌پردازند و سپس با استفاده از الگوی پیرینی (۲۰۰۷) به بررسی راهکارهای اتخاذ شده برای حل مشکلات موجود در ترجمه این آرایه‌ها اقدام می‌کنند. پیرینی برای حل این مسأله از راهکار کلی بومی‌سازی در معادل ترجمه‌ای استفاده می‌کند. با در نظر گرفتن این استراتژی، وی در مقوله صفات مرکب دو راهکار و در باب تشبیهات شش روش اساسی پیشنهاد می‌کند. برآیند پژوهش نشان می‌دهد که هنگام ترجمه هر نوع صفت مرکب و تشبیهی، روش‌های ترجمه‌ای اتخاذ شده بر اساس بومی‌گزینی زبانی و فرهنگی مناسب بوده و قابلیت اجرایی دارد، چراکه در ترجمه حاضر، مترجم از روش ادبی بهره برده است. چنین تطبیقی نشان‌دهنده تقارن فرهنگی در دو زبان مبدأ و مقصد است.

کلیدواژه‌ها: راهکارهای ترجمه، پیرینی، تشبیه، صفات مرکب، نهج البلاغه، ترجمه بهرامپور.

مقدمه

ترجمه، فرآیندی است که بشر به واسطه آن توانسته به زبان، فرهنگ و تحولات پیرامون خود آگاهی یابد. آنچه اهمیت این دانش را مشخص می‌کند این است که بدانیم ترجمه یک ضرورت گریزناپذیر بشری است.

با در نظر داشتن ارزش فرآیند ترجمانی، به نظر می‌رسد که «پژوهش‌های ترجمه‌ای عصر حاضر تا حد زیادی متأثر از گسترش دانش‌های زبانی و فرازبانی بوده است» (نور عوض، ۱۹۸۸: ۷۰). آن‌گونه که پیرینی^۱ نظریه‌پرداز حوزه مطالعات ترجمه یاد می‌کند، «هنر ترجمه منوط به آگاهی از دانش‌های زبانی است» (Fauziah, 2017: 28). دانش‌ها و معلوماتی که متأثر از تغییرات ساختار نحوی متن، آرایه‌های ادبی و... سازمان می‌یابند که مترجم باید بتواند مفاهیم و اغراض اصلی اطلاعات مزبور را به درستی به مخاطب منتقل سازد؛ به گونه‌ای که مخاطب بتواند جدای از تفاوت‌های نوع شناختی و فرهنگی متن، پیام واقعی را درک کند. باید گفت کاربست و عاملیت «متغیرهای فرهنگی و زبانی متأثر از تفاوت‌های نوع شناختی نقش بزرگی را در تشخیص ماهیت فضای معنای متن بازی می‌کنند» (الدسوقی، ۲۰۰۷: ۱۱۱). به اعتقاد پیرینی «تفاوت‌های نوع شناختی بین دو زبان از نظر ساختارهای مفهومی^۲ و تغییرات زبانی^۳ در واژه‌سازی آشکار می‌شود. این ساختارها و تغییرات بیانگر تعدادی از روابط معنایی مختلف بین عناصر سازنده است که پیوندهای نحوی، زبانی و ادبی میان آن‌ها حاکم است» (Pierini, 2015: 17). پیرینی از این ارتباط و گستردگی به‌عنوان یک چالش اساسی یاد می‌کند که به واسطه واگرایی میان دو زبان و فرهنگ خاص ایجاد می‌شود. وی برای گذر از این چالش، موضوع بومی‌سازی^۴ را به‌عنوان استراتژی کاربردی عنوان می‌کند که در آن مترجم نخست عناصر زبانی و فرهنگی زبان مبدأ را در فرهنگ خود جذب می‌کند و سپس آن را با ارزش‌ها و قواعد زبانی و فرهنگی خود برابر می‌سازد.

مسئله بومی‌سازی از عناصر خاص فرهنگی است که مضمون آن متشکل از ارزش‌ها، تعبیرات، حالت‌ها و ساختارهای زبانی است. از این رو، این مسئله توجه مترجم را به‌گزینش و انتخاب مناسب‌ترین معادل ترجمه‌ای رهنمون می‌سازد که منجر به تعادل واژگانی می‌شود.

-
1. Pierini, P.
 2. Conceptual Structures
 3. Morphology
 4. localisation

به باور پیرینی، این راهکار زمانی مثرتر خواهد بود که مترجم بتواند «وجوه اشتراکی و نقطهٔ اقتران میان واژگان و عبارت‌ها را در دو فرهنگ و زبان شناسایی کند و آن‌ها را در قالب فرهنگ و زبان خود به کار گیرد» (Pierini, 2007: 88).

با توضیح کلیات بحث، در این جستار به بررسی تفاوت‌های نوع شناختی و فرهنگی ترجمهٔ بهرامپور از نهج البلاغه براساس الگوی بومی‌گزینی پیرینی پرداخته شده است. هدف از انتخاب ترجمهٔ مزبور این بوده است که بهرامپور در ترجمهٔ حاضر، جنبهٔ خاص زبانی و فرهنگی را رعایت کرده و ترجمه‌ای آزاد و ارتباطی را ارائه داده است. همچنین گزینش دو بعد صفات مرکب و تشبیهات در اولویت قرار گرفته است، چراکه به باور پیرینی «تشبیه در رده ویژگی‌های زبانی قرار می‌گیرد و این ویژگی به سبب نقش اساسی تشبیه در اندیشه و گفتار نمود یافته است» (Ibid: 23). همچنین بحث صفات مرکب مبین «الگوهای ریخت‌شناسی زبان است که با تعیین دسته‌بندی‌های زبانی و روابط نحوی-معنایی میان آن‌ها، اهمیت این الگوها را در زبان و گفتار نمایان می‌سازد» (Pierini, 2015: 18).

از آنجایی که بررسی دو بحث تشبیهات و صفات مرکب در ترجمهٔ حاضر منوط به ارزیابی وجوه زبانی و واژگانی عبارت‌های ترجمانی است، کاوش و تطبیق هر کدام از این وجوه زبانی تأثیر کاربست عناصر بومی‌سازی فرهنگی را در جهت معادل‌یابی نسبی واژگان نشان می‌دهد. علاوه بر این، مسأله مهارت و تسلط مترجم در بازمینی و بازآرایی عناصر فرهنگی در تشبیهات و صفات مرکب مهم به نظر می‌آید. بر این اساس مترجم باید تسلط و مهارت کافی را در فرآیند ترجمانی داشته باشد تا وجوه شباهتی زبان را در بستر تفاوت‌های نوع شناختی و فرهنگی نشان دهد.

مترجمی که می‌کوشد متغیرهای فرهنگی و زبانی را در قالب ارتباط‌های موازی میان دو زبان و فرهنگ واضح‌تر کند در مواجهه با چنین مقوله‌هایی با مشکل اساسی روبه‌رو می‌شود. پیرینی برای حل مشکل ترجمهٔ صفات مرکب از دو راهکار جابه‌جایی فرهنگی و سازگاری فرهنگی و برای ترجمهٔ تشبیهات از شش روش کاربردی حفظ صورت تشبیه، جایگزینی تشبیه، جایگذاری با اصطلاحات بومی ویژه، کاهش مفهوم اصلی تشبیه، حفظ تشبیه با توضیح ویژگی‌های تشبیه و حذف مشبه (از ارکان تشبیه) بهره می‌گیرد.

در پژوهش حاضر سعی شده است تا به سؤالات ذیل پاسخ داده شود:

- مترجم در مواجهه با تفاوت‌های نوع شناختی و فرهنگی اصطلاحات زبانی موجود در تشبیهات و صفات مرکب خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه چگونه عمل کرده است و این تفاوت‌های فرهنگی (بوم‌شناسی) چه تأثیراتی در بازساخت سبک و سیاق ترجمه تشبیهات و صفات مرکب دارد؟

- در بررسی چالش‌های ترجمه‌ای صفات مرکب و تشبیهات خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه کدام‌یک از راهکارها بیشترین تأثیر را در رفع چالش‌های زبانی و فرهنگی (اصطلاحات زبانی خاص و تفاوت‌های نوع شناختی) داشته و مترجم را به انتقال دقیق مفاهیم و عناصر زبانی و فرهنگی رهنمون ساخته است؟

۱. پیشینه پژوهش

با توجه به این مسأله که رویکرد بومی‌گزینی پیرینی (۲۰۰۷) از رویکردهای نوین مطالعات ترجمه محسوب می‌شود و هنوز جای بررسی و بحث دارد به معدود جستارها و پژوهش‌هایی که در باب چالش‌های فرهنگی و زبانی صورت پذیرفته در ادامه اشاره شده است.

قطاف تمام^۱ (۲۰۰۵) در رساله‌ای تحت عنوان «إشکالیة نقل الخصوصیات الثقافية» به بحث و بررسی درباره چالش‌های فرهنگی و راهکارهای حل آن پرداخته است. وی چالش‌های فرهنگی را محصول عدم تطابق ساختارها و متغیرهای زبانی میان دو زبان و فرهنگ می‌داند که برای گذر از آن باید در سطح واژگانی از راهکار بومی‌سازی استفاده کرد. البته باید اذعان داشت که نویسنده در این کتاب صرفاً مباحث توصیفی را بیان می‌دارد.

در مقاله «معادل‌یابی تشبیه در ترجمه عربی رمان سمفونی مردگان براساس الگوی پیرینی (۲۰۰۷)» کشاورز (۱۳۹۹) به تفاوت‌های فرهنگی میان زبان مبدأ و مقصد توجه دارد. در این راستا وی از رویکرد پیرینی در بررسی ترجمه عربی رمان سمفونی مردگان استفاده می‌کند و می‌کوشد این تفاوت‌های فرهنگی را در قالب راهکارهای این رویکرد نشان دهد و مطابق با فرهنگ خود ترجمه کند. نویسنده در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی این موضوع پرداخته است.

شمسی‌فرد و همکاران (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان «Strategies for Translation of Similes in four Different Persian Translations of Hamlet» به بررسی

1. Quettaf, T.

راهکارهای تشبیه براساس رویکرد پیرینی در داستان هملت پرداخته‌اند. در این مقاله نویسندگان در ترجمه تشبیهات از روش‌های یکسانی استفاده و بیشتر بر حفظ ویژگی‌های متن مبدأ تأکید کرده‌اند.

بلاوی و غفوری فر (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «الظواهر الأسلوبية في خطبة الشقشقية للإمام علي (ع)» به بیان مباحث زبانی و بلاغی خطبه شقشقیه نهج البلاغه پرداخته‌اند. نویسندگان در خطبه حاضر به تحلیل سطوح زبانی، دستوری و معنایی خطبه مزبور توجه داشته و هر یک از این مباحث را در چهارچوب‌های فرهنگی و زبانی نهج البلاغه مورد ارزیابی قرار داده‌اند. نویسندگان در این مقاله نخست تعریف جامعی از اشکال فنی و ادبی ارائه می‌دهد، سپس هر یک از این موضوعات را در قالب واژگان فرهنگی خاص نهج البلاغه مورد بررسی قرار می‌دهد.

با توجه به این مسأله که مطالعات معدودی در زمینه بررسی معادل‌یابی‌های ترجمه آرایه‌های ادبی به‌ویژه تشبیه و نیز مطالعه صفت‌های ترکیبی در برگردان خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه صورت پذیرفته است، وجه تمایز پژوهش حاضر نسبت به سایر پژوهش‌های انجام گرفته به جهت بررسی مقوله‌های حاضر براساس الگوی بومی‌شناسی پیرینی است که به عناصر خاص فرهنگی و زبانی ترجمه توجه داشته است که از این منظر نسبت به سایر تحقیقات مذکور مطالعه‌ای ویژه و در خور توجه است.

۲. ضرورت و اهمیت پژوهش

ترجمه‌ای که بهرامپور از نهج البلاغه ارائه داده است ترجمه‌ای روان، آزاد و ارتباطی بوده است. به عقیده بهرامپور، چنین ترجمه صریح و ارتباطی‌ای، تلاشی برای رفع ابهام و پیچیدگی در درک اغراض کلام امیر (ع) بوده است. ترجمه حاضر متناسب با ساختارهای زبانی و فرهنگی زبان مقصد ارائه شده است. بر این اساس کار ترجمه‌ای مترجم، محتوامحور بوده که ارزش‌ها و اصول زبانی و فرهنگی مقصد را در نظر داشته است؛ به طوری که در مواردی، تمثیل‌های عربی به‌عنوان نموده‌های فرهنگی و زبانی خاص با تمثیل‌های فارسی جایگزین شده است. هدف مترجم در گام نخست تحویل ترجمه‌ای آسان و قابل فهم به مخاطب کلام و در گام بعدی ابهام زدایی از گفتار امیرالمؤمنین (ع) بوده است.

در مقاله حاضر کوشیده شده است تا در گام اول با استفاده از رویکرد بومی‌گزینی پیرینی عناصر زبانی و فرهنگی قابل فهمی نسبت به نمونه‌های موردی ارائه شود که مفاهیم و مضامین ویژه آن‌را در برداشته باشد و به نسبت آن فضای معنایی قابل قبولی بازتاب یابد. همچنین جامعیت و مقبولیت ترجمه بهرامپور از نهج البلاغه (۱۳۹۶) را مورد ارزیابی قرار دهند.

۳. چهارچوب نظری

همان‌گونه که اشاره شد پیرینی (۲۰۰۷) ترجمه دو مقوله تشبیهات و صفات مرکب را در فرآیند ترجمانی، چالش اساسی می‌داند. پیرینی برای حل این چالش راهکار بومی‌گزینی را مطرح می‌سازد که در ترجمه دو مقوله مزبور حائز اهمیت است. بومی‌گزینی، شکلی گسترده و تخصصی‌تری را نسبت به ترجمه ارائه می‌دهد که بیشتر در مورد یک فرهنگ، اندیشه و... به کار می‌رود و اهمیت تسلط بر زبان مقصد را به تصویر می‌کشد. در واقع مفهوم حاضر تطبیق یک محصول یا فرآیند را براساس شرایط خاص زبانی، فرهنگی و محدودیت‌های ویژه جغرافیایی و تنوع خاص زبانی را نشان می‌دهد. بومی‌گزینی به جهت رفع موانع فرهنگی از مفاهیمی که در فرآیند ترجمه دارای تعارض فرهنگی هستند، صورت می‌پذیرد. با در نظر داشتن اهمیت مفهوم حاضر، در ذیل به بحث و بررسی دو مقوله تشبیه و صفات مرکب با توجه به ابزارهای بومی‌گزینی پرداخته شده است.

۳-۱. تشبیه

پیرینی (۲۰۰۷) بحث تشبیه و صفات مرکب را صورت‌های دستوری زبان می‌داند که ساخت‌های معنایی دو گزاره را در کلام نشان می‌دهد. وی تشبیه را یک صورت معنایی معرفی می‌کند که مبتنی بر مقایسه است. این قیاس «میان موجودیت‌ها صورت می‌پذیرد که منجر به ایجاد یک نوع قضاوت می‌شود و در نتیجه موجب ایجاد گزاره‌ای می‌شود که می‌تواند یک شکل مثبت یا منفی داشته باشد» (Pierini, 2007: 23). از منظر پیرینی در ساختار تشبیه سه وجه قابل تبیین است؛ وجه نخست موضوع قابل قیاس است؛ یعنی موضوعی که توسط تشبیه توصیف می‌شود. گام بعدی ابزار و وسیله تشبیه است که آن موضوع با ابزارهای موجود مقایسه می‌شود و حالت سوم ویژگی‌ها و تصویر ذهنی شباهت است که خصوصیات مشترک میان موضوع و وسیله تشبیه مورد بررسی قرار می‌گیرد. وظیفه مترجم

در مواجهه با چنین صورت دستوری در متن این است که نخست آن را تجزیه کرده و سپس دو گزاره موجود در فحوای کلام را که بیانگر ساخت معنایی است، پیدا کند. در فرآیند ترجمه تشبیه در بافت متنی، مترجم یا به تعبیری «شنونده بومی زبان به نوع قیاس میان موضوع شباهت و تصویر ذهنی نمی‌اندیشد، بلکه معنی کل اصطلاح موردنظر را مورد ارزیابی قرار می‌دهد» (Larson, 1998: 277).

پیرینی نیز چالش‌های اساسی را در ترجمه تشبیه مطرح می‌سازد؛ نخست تصاویر ذهنی متفاوت در تشبیه است که به جهت اختلاف و ناهمگونی می‌تواند در فرهنگ و زبان مقصد ناشناخته باشد و فرآیند ترجمه را برای مترجم مشکل کند. گاهی نیز موضوع شباهت از دید مترجم پنهان می‌ماند و به سختی مشخص می‌شود؛ مانند جمله «موج علیه دولت شورید» که موضوع نظرات و خواسته‌های مردم به صورت پنهانی باقی مانده است. در چالش بعدی، پیرینی به بحث از درک متفاوت از موضوع شباهت می‌پردازد. او معتقد است چنین استنباطی از موضوع شباهت در فرهنگ‌های متفاوت بیشتر نمود می‌یابد و این مسأله منجر به دریافت مختلف و ناهمگون از تصویر ذهنی یکسان می‌شود. در همین راستا چنین برداشتی از تصاویر ذهنی موردنظر می‌تواند معانی متفاوتی را به مترجم در زبان مقصد القا کند. مترجم با برداشت متفاوت از تصویر ذهنی یکسان در تشبیه، موضوع شباهت در زبان مقصد را اشتباه متوجه می‌شود که این خود باعث سوء تفاهم خواهد شد.

پیرینی برای جبران چالش فهم نادرست از موضوعیت تصاویر ذهنی قابل قیاس در زبان و فرهنگ مقصد از شش روش کاربردی استفاده می‌کند.

۳-۱-۱. حفظ صورت تشبیه

به اعتقاد پیرینی اگر صورت تشبیه در زبان مبدأ طبیعی و قابل قیاس در فرهنگ مقصد باشد، بهتر است که در ترجمه به همان صورت به زبان مقصد انتقال یابد. پیرینی این گونه بیان می‌کند که «با مساوی بودن تصویر ذهنی و موضوع شباهت، بهتر است دو گزاره به همراه عنوان تشبیه، تصویر ذهنی و موضوع شباهت به صورت یکسان در زبان مقصد به نحو آشکاری نشان داده شود» (Pierini, 2007: 31). این مسأله کمک می‌کند که تشبیه موردنظر برای خواننده قابل فهم باشد. بنابراین، مترجم می‌کوشد که صورت تشبیه به همان شکل در فرآیند ترجمه حفظ شود. برای نمونه، پیرینی اصطلاح «پوست او به سختی چرم

چکمه قدیمی است» را بیان می‌کند (Ibid: 31). در این اصطلاح، ساختار زبانی و معنای گزاره‌ای باید به همان صورت نخست و به صورت ترجمه تحت‌اللفظی (حفظ صورت تشبیه) آورده شود تا علاوه بر صورت طبیعی ساختار زبانی، هدف معنایی گزاره (از نظر استحکام) انتقال یابد.

۳-۱-۲. جایگزینی تشبیه با شرح

پیرینی پیشنهاد می‌کند که تشبیه اگر برای خواننده زبان مقصد، مبهم و نامفهوم باشد، می‌توان مشبّه‌به موجود آن را حذف و شرح آن را بیان کرد. به باور او «این جایگزینی باید به گونه‌ای صورت پذیرد که در یک اصطلاح کلامی مشابه باشد» (Pierini, 2007: 32). مترجم با مدنظر قرار دادن یک گزاره کلامی مشابه در ترجمه، تشبیهی قابل فهم در فرهنگ مقصد برای خواننده متن را جایگزین مشبّه‌به اصلی تشبیه می‌کند که همان معنا و مفهوم را داشته باشد. البته در این رویکرد نقش مسائل فرهنگی حائز اهمیت است. در بررسی چنین بحثی می‌توان به اصطلاح تشبیهی «مثل سگ جان می‌کند» اشاره کرد (Ibid: 33). در واقع چنین اصطلاح تشبیهی ممکن است در فرهنگ مقصد بی‌معنی باشد و مخاطب فرهنگ مقصد هدف از آن را در نیابد. مترجم زبان مقصد در مواجهه با چنین اصطلاحات تشبیهی می‌تواند از ترجمه تحت‌اللفظی صرف نظر کرده و با حذف مشبّه‌به به شرح آن پردازد و با معادل‌یابی نسبی فرهنگی، اصطلاح «مثل یک برده کار می‌کند» را به کار ببندد.

۳-۱-۳. جایگزینی تشبیه با واژگان اصطلاح بومی ویژه

پیرینی با اذعان به این مسأله که ممکن است در فرآیند ترجمه، مترجم با اصطلاحات ویژه‌ای روبه‌رو شود که قابل انتقال به فرهنگ مقصد خود نشود و نیز امکان جایگزینی یک اصطلاح فرهنگی مشابه وجود نداشته باشد باید صرفاً به فرهنگ بومی خود توجه داشته باشد. به باور او «وظیفه مترجم برقراری ارتباط خاص بین این اصطلاحات موردنظر است که با جایگزینی یک صفت ساده و قابل فهم در فرآیند ترجمه صورت می‌پذیرد» (Pierini, 2007: 35). پیرینی این اختیار را به مترجم می‌دهد که فقط واژگان اصطلاحی خاص خود را متناسب با فرهنگ زبانی خود برگزیند. تفاوت این موضوع با مبحث پیشین در این است که مترجم دیگر در پی اصطلاح فرهنگی مشابه نیست، بلکه به فرهنگ مقصد خود می‌اندیشد و در

ورای فرهنگ خاص خود دنبال واژگان اصطلاحی ویژه و قابل فهم است. البته رویکرد مترجم صرفاً نادیده گرفتن فرهنگ مبدأ نیست، بلکه می‌کوشد واژگان اصطلاحی فرهنگ خود را در تشبیهات اصلی غالب کند که همان معنا و مفهوم را برساند. پیرینی در این رویکرد از اصطلاح زبانی «مثل آب خوردن» یاد می‌کند (Ibid: 32). این اصطلاح زبانی به جهت نزدیکی با ساختار بانی و فرهنگی زبان مقصد به جای یک اصطلاح پیچیده زبانی آورده می‌شود. در واقع هدف انتقال صریح معنای گزاره‌ای است که مترجم این اختیار را در جایگزینی مشبّه‌به با یک مشبّه‌به دیگر به عنوان یک اصطلاح بومی دارد.

۳-۱-۴. کاهش مفهوم اصلی تشبیه

از راهکارهای دیگر پیرینی برای جبران چالش ترجمه تشبیه، کاهش مفهوم اصلی تشبیه است. پیرینی بر این اصل معتقد است که اگر «تشبیه اصطلاحی باشد برای درک بهتر مفهوم آن می‌توان معنای آن را کاهش داد» (Pierini, 2007: 32). در واقع کاهش به مفهوم اصلی یعنی افزودن چیزی + صفت به جای تشبیه در فرهنگ مقصد. این مفهوم از نظر پیرینی با اضافه شدن ادات تشبیه در بافت متن همچون (مثل، مانند و...) امکان پذیر است. در این بحث به اعتقاد پیرینی تمامی عناصر معنایی که به گونه‌ای به واژه قابل قیاس و تشبیه ارتباط دارند به حسب بافت فرهنگی، دو زبان مبدأ و مقصد و بدون توجه به اینکه بخش واقعی یا اصلی معنایی به حساب آیند، متعدد و گسترده هستند. وظیفه مترجم در مواجهه با چنین چالشی این است که این گستردگی و تنوع را به حداقل برساند و به نوعی با کاهش مفهوم اصلی تشبیه به اصطلاح خاص مقارن با فرهنگ بومی مقصد دست یابد. برای نمونه می‌توان به مدل تشبیهی پیشنهادی پیرینی اشاره کرد. او اصطلاح «به پیری و قدمت کوه‌ها» را به جای اصطلاح تشبیهی «باوقار و کهن همچون کوه‌ها» برای این الگو مثال آورده است (Ibid: 32). در نمونه حاضر تشبیه نادیده گرفته شده و فقط مفهوم آن بیان شده است. چنین راهبردی چندان مورد پیشنهاد قرار نمی‌گیرد، چراکه به ساختار ادبی و زیبایی عبارات زبانی لطمه وارد می‌کند.

۳-۱-۵. حفظ تشبیه با توضیح ویژگی‌های شباهت

راهکار دیگر حفظ مشبّه‌به با توضیح ویژگی‌های شباهت (وجه شبه) است. در این راهبرد مترجم مشبّه‌به موجود در عبارت زبانی را حفظ کرده و وجه شبه آن را شرح می‌دهد و آن

زمانی است که وجه شبه برای مترجم ناشناخته باشد. همچنین آنچه پیرینی این امکان را برای مترجم فراهم می‌سازد این است که «مترجم می‌تواند در توضیح ویژگی‌های شباهت، عنوان یا موضوع شباهت را به وسیله ابزارهای شباهت و توصیف گونه‌های زبانی خاص به آن تشبیه اضافه کند» (Ibid: 36). در واقع این افزودن در ترجمه به مثابه کاهش مفهوم اصلی تشبیه می‌تواند قابلیت فهم غرض متن یا کلام را در فرهنگ بومی مقصد برای خواننده مهیا سازد. نمونه پیشنهادی پیرینی مبین این مسأله است. وی جمله‌واره «صدایت همچون بندانگشت زخمی جریحه‌دار شده» را به جای «صدایت همچون بندانگشت زخمی بیرون زده» را به عنوان الگوی پیشنهادی بیان داشته است (Pierini, 2007: 33). در این نمونه مشبه‌به حفظ شده، اما وجه شبه ترکیب تشبیهی (بیرون زده) در گزاره دوم برای مخاطب می‌تواند ناشناخته باشد. این مسأله ناشی از تفاوت فرهنگی است و پیرینی برای معادل‌یابی نسبی فرهنگی از اصطلاح «جریحه‌دار شدن» استفاده کرده است.

۳-۱-۶. حذف تشبیه

پیرینی در این راهکار معنای تشبیه را بدون حفظ تصویر ذهنی آن در نظر می‌گیرد. وی معتقد است که «مترجم در فرآیند ترجمه تشبیه این امتیاز را دارد که هنگام مواجه با ساختار تمثیلی پیچیده برای انتقال واقعی معنای تشبیه در فرهنگ بومی خود، مشبه را از ساخت کلام تشبیهی حذف کند» (Pierini, 2007: 38). در واقع در این ساختار معنای تشبیه از طریق حذف تصویر ذهنی آن فهمیده می‌شود. برای نمونه پیرینی جمله‌واره «صندلی خیلی زمخت است» را برای الگوی حذف تشبیه پیشنهاد می‌دهد. در این جمله‌واره ساختار تشبیهی حذف شده است و به جای عبارت زبانی «صندلی خیلی زمخت است و مثل پر قو نیست» آورده شده است (Ibid: 32). در گزاره تشبیهی اصلی (جمله‌واره دوم) بدین جهت که عبارت تشبیهی (مثل پر قو) ممکن است در زبان مقصد معادلی نداشته باشد در ترجمه حذف شده است.

۳-۲. صفات مرکب

بنا به نظر پیرینی (۲۰۰۷) بحث صفات مرکب در ترجمه به جهت تفاوت‌های نوع شناختی و فرهنگی میان دو فرهنگ چالش اساسی را پیش روی مترجم ایجاد می‌کند. به باور او «ترکیب صفات مرکب در ساختار متن وسیله‌ای قدرتمند برای فشرده‌سازی اطلاعات در یک واحد

زبانی است. با این تفسیر که ساختار متن متشکل از تعدادی روابط معنایی متصل و پیچیده میان عناصر سازنده است» (Pierini, 2015: 17). در واقع ترجمه صحیح صفات مرکب در ساختار متن مناسبت میان پیوندهای ضمنی آن را آشکار می‌کند. پیرینی کاربست مستند این صفت‌ها را در توصیف جنبه‌های واقعی فضاهای حقیقی متن می‌داند. توصیفی که مترجم در آن عملکرد افراد و موقعیت‌های مکانی را مدنظر قرار می‌دهد. آنچه پیرینی بافتار صفات مرکب را در ساختار متن مورد بررسی قرار می‌دهد سه وجه اساسی دارد؛ وجه نخست «صفت + صفت» است. اقتران و کاربست صفت به همراه صفت دیگر در برخی از موارد لغوی یافت می‌شود. به عنوان مثال، در بحث از ذائقه می‌توان ترکیب تلخ و شیرین، در بحث از رنگ ترکیب خاکستری و سبز و موارد اینچنینی را یادآور شد. به اعتقاد پیرینی «این عناصر از وضعیت یکسانی برخوردار هستند و ارتباط میان آن‌ها می‌تواند با حرف ربط برقرار شود» (Ibid: 18-19). همچنین در راستای این بحث، ساختاری وجود دارد که در آن سازنده اول (صفت) حالت دومی (صفت) را تغییر می‌دهد. در واقع عملکرد آن تغییر شکل بافت است. مثلاً در اصطلاحات رنگی ترکیب «آبی تیره» مبین این بحث است.

حالت دوم ترکیب «اسم + صفت / صفت + اسم» است. این الگو از بسامد زیادی در ساختار متن برخوردار است. در این ترکیب، سازنده اول (اسم) ابزار مقایسه‌ای را برای حالت دوم (صفت) ایجاد می‌کند. برای نمونه در بحث از رنگ عبارت «بطری سبز» مبین این مسأله است. در بُعد دیگر پیرینی از ساختار «قید + صفت» یاد می‌کند. در این مقوله به صورت نحوی یک عبارت صفت را بازتولید می‌کند. برای نمونه، گزاره «به شدت رقابتی» چنین حالتی را نشان می‌دهد. در این ساختار یک عبارت عامل (قید)، معمول (صفت) را بازتولید کرده و از نظر معنایی به طور واضح مفهوم آن را برای مخاطب نشان داده است.

پیرینی برای حل چالش ترجمه‌ای صفات مرکب از دو روش استفاده کرده است که در ادامه به آن‌ها پرداخته شده است.

۳-۲-۱. جابه‌جایی و جایگذاری فرهنگی

در این راهبرد مترجم با جابه‌جایی و جایگذاری یک عبارت در ساختار ترکیب موردنظر معادل فرهنگی متناسب با فرهنگ بومی خود را انتخاب می‌کند. به باور پیرینی «متن اصلی با اصلاحات لازم مطابق با محیط فرهنگی منتقل می‌شود. مترجم می‌تواند با در نظر گرفتن

نیازها و خصوصیات گیرنده‌های هدف (مخاطبان) به تأثیرات متقابل شاخصه‌های فرهنگ مبدأ در فرهنگ مقصد دست یابد. این اثرها منطبق و معادل با فرهنگ مبدأ صورت می‌گیرد» (Ibid: 22).

درواقع این نیازها و خصوصیات از طریق اضافه کردن و جایگذاری یک عبارت با کمک حروف اضافی همچون «از، با، به و...» صورت می‌گیرد. همچنین مترجم می‌تواند یک صفت را با در نظر داشتن سازگاری‌های فرهنگی در محتوا و ضمیر ترکیب موردنظر جایگزین کند.

۳-۲-۲. سازگاری فرهنگی

پیرینی در بیان این راهبرد معتقد است که «مترجم به جهت عدم تقارن زبانی و فرهنگی میان دو زبان و فرهنگ، می‌تواند براساس تفسیر خود از کل ساختار متن، ترکیب موردنظر را حذف کند و در این راستا ترجیح می‌دهد که یک‌بند را که شامل انطباق فرهنگی و تغییرات معنایی، واژگانی و نحوی قابل توجه است، دوباره براساس فرهنگ بومی خود بازنویسی کند» (Ibid: 23). به‌طور کلی باید گفت که در بحث حاضر معنا و مفهوم متن در گذر از پالایه فرهنگی موردنظر مترجم پیش‌بینی و تفسیر می‌شود.

۴. نگاهی به ترجمه نهج البلاغه

بهرامپور در کتاب حاضر پس از توصیف فضاهای ذهنی نهج البلاغه به ترجمه‌ای آزاد و ارتباطی از آن می‌پردازد. در این ترجمه به دو بحث تشبیه و صفات مرکب اشاره شده است، چراکه مترجم در ترجمه این دو بحث به گونه‌ای خاص عمل کرده است.

۴-۱. تشبیه

در بحث از تشبیه هدف، برابری دو چیز در یک صفت ویژه است. در واقع «کارکرد ارتباطی با ایجاد رابطه شباهت میان دو موجودیت که اساساً با هم متفاوت ولی از نظر برخی ویژگی‌ها و شرایط مشترک‌اند، انجام می‌پذیرد» (Raza & etal, 2014: 19). شیوه کاربردی تشبیه در ساختار متن از دیگر شیوه‌ها قوی‌تر است، چراکه اولاً تشبیه برای توسعه گفتمان به کار می‌رود و ثانیاً متناسب با توسعه گفتمان «در ذهن انسان برابری‌ها و ماندنی‌های زیادی وجود دارد که برابری آنان را با اشیاء اطراف خود، هماهنگ می‌سازد» (شفائی مقدم، ۱۳۸۵: ۱۸).

این برابری معنای موردنظر متن را در ذهن خواننده مجسم می‌کند. باید گفت که تشبیه در فرآیند ترجمه می‌تواند تأثیرگذار باشد. از این رو، بررسی ترجمه تشبیه در نمونه‌های ذیل براساس راهکارهای پیرینی نمود یافته است.

ع-۱-۱. حفظ صورت تشبیه

در این راهکار آن گونه که اشاره شد، هدف مترجم حفظ شاکله تشبیه و انتقال آن در فرهنگ مقصد با حفظ ادات تشبیهی است. آنچه پیرینی در این راهبرد می‌کاود، ترجمه تحت‌اللفظی از تشبیه است؛ به گونه‌ای که بتوان با رعایت ساختار اولیه تشبیه، همان معنا و غرض را به فرهنگ مقصد انتقال داد. بر این اساس در نمونه‌های ذیل به بررسی چنین راهکاری در ترجمه‌های موردی از نهج البلاغه پرداخته شده است.

خطبه ۳: «أَمَّا وَاللَّهِ ... إِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّي مِنْهَا مَحَلَّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَى يَنْحَدِرُ عَنِّي السَّيْلُ وَلَا يَرْقَى إِلَى الطَّيْرِ».

ترجمه بهرامپور (۱۳۹۶: ۴۴): «به خدا سوگند! (او) به خوبی می‌دانست که جایگاه من در خلافت مانند محور سنگ آسیاب است که بدون آن نمی‌چرخد و می‌دانست که سیل علم و دانش از وجود من جاری می‌شود که هیچ اندیشه‌ای را دسترسی به آن نیست».

در این نمونه امیرالمؤمنین (ع) خلافت و حکومت خود را به سان محور آسیابی می‌داند. همچنان که گردش و دوران آسیاب به میخ آهنی وسط آن است، بدون آن خاصیت آسیابی از میان می‌رود. بیان تشبیه به صورت آشکار و حفظ شاکله اصلی تشبیه، خود مبین آن است که حکومت به دست غیر امام (ع) زیان آور بوده و هیچ سودی برای امت اسلامی ندارد. در این تشبیه وجه شبه میان نقش مشبه و مشبه‌به مشترک بوده است؛ بدین صورت که عملکرد جایگاه امیرالمؤمنین (ع) به عنوان مشبه و محور سنگ آسیاب به عنوان مشبه‌به عامل اصلی در گردش و در جریان انداختن جامعه اسلامی و سنگ آسیاب تعبیر شده است. در واقع توضیح اضافی در شاکله ترجمه به عنوان وجه شبه مشترک میان مشبه و مشبه‌به آورده شده و نشان از توسعه و بسط گفتمانی دارد. همچنین براساس راهبرد ترجمانی تشبیه پیرینی «وجه شباهت مشترک میان هر کدام از مشبه و مشبه‌به نقش هر کدام از جایگاه‌های مشبه و مشبه‌به را به عنوان

عناصر لاینفک در جریان گفتمانی به‌خوبی نشان می‌دهد» (Shamsaeefard, 2013: 167).

آن‌گونه که واضح است، محوریت هر بخش تعیین‌کننده سرنوشت جمع است. در واقع در این ترکیب مترجم با ترجمه تشبیه لفظ به لفظ و رعایت ساختاری آن در عبارت حاضر (خلافت به‌عنوان مشبه و محور سنگ آسیاب به‌عنوان مشبه‌به و ارتباط آن با ادات تشبیه)، هدف و مراد جمعی موردنظر را با همان منظور به مخاطب انتقال داده است. در واقع عملکرد مترجم در ترجمه عبارت مزبور الگوی حفظ صورت تشبیه پیرینی را نمایان می‌سازد. پیرینی با بیان این مسأله که ترجمه لفظ به لفظ ضمن اینکه مبین حفظ صورت تشبیه است، هدف و غرض گوینده کلام از گفتار مورد نظر را نشان می‌دهد. در عبارت «مَحَلِّ مِنْهَا مَحَلِّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَى» هدف و مراد جمعی که به‌عنوان وجه شبه منظور شده است، تأثیرگذاری میخ وسط سنگ آسیاب در گردش سنگ آسیاب است که به باور محققان با ترجمه تحت‌اللفظی تشبیه مزبور همان هدف و تأثیر در فرهنگ بومی نشان داده می‌شود.

خطبه ۱۵۷: «فَكَانَكُمْ بِالسَّاعَةِ تَحْدُوكُمْ حَدُّو الزَّاجِرِ بِشَوْلِهِ؛ فَمَنْ شَغَلَ نَفْسَهُ بِغَيْرِ نَفْسِهِ تَحْيِرَ فِي الظُّلُمَاتِ وَ ارْتَبِكَ فِي الْهَلَكَاتِ».

ترجمه بهرامپور (۱۳۹۶: ۳۰۸): «گویا قیامت شما را فرامی‌خواند، چونان خواندن ساربان، بچه شتر را. پس هر که به غیر اصلاح نفس خود پردازد در ظلمت و هلاکت افتاده است».

در عبارت «فَكَانَكُمْ بِالسَّاعَةِ تَحْدُوكُمْ حَدُّو الزَّاجِرِ بِشَوْلِهِ» امیر مؤمنان (ع) روز قیامت را بسان ساربانی می‌داند که شتران را به جلو می‌راند و آنان را به شتاب وامی‌دارد. امام علی (ع) با ساختار تشبیهی مزبور، نزدیک بودن قیامت را گوشزد کرده‌اند که در آن واحد موجودات را برانگیخته خواهد کرد. در واقع وجه شبه که هدف و مراد امام (ع) است، شتاب و برانگیختن است. در این قیاس هدف امیرمؤمنان تنها موازنه و برابری بین دو جزء نیست، بلکه «روشن کردن ابعاد هویتی چیزهایی است که ما آن‌ها را مورد همانندی قرار می‌دهیم» (زیتون، ۱۹۹۷: ۲۰۶). این هویت از هدف جمعی ایشان «به‌عنوان وجه شبه» آشکار شده است. در واقع این ارتباط و هدف امام (ع) از طریق ایراد ساختارهای تشبیه حاصل شده است. به تعبیر پیرینی ذکر دقیق مشبه و مشبه‌به و به تناسب آن کشف وجه شبه در ترجمه و انتقال لفظ به لفظ آن

در فرهنگ بومی مستلزم نزدیکی دو فرهنگ زبان مبدأ و مقصد است. این مسأله در عبارت مزبور حاکم است، چراکه تشبیه روز قیامت (مشبه) به ساربان (مشبه‌به) به جهت شتاب و برانگیختگی (وجه شبه) آن ایراد شده است.

۴-۱-۲. جایگزینی تشبیه با شرح

در راهبرد جایگزینی، مترجم به جهت نامفهوم بودن تشبیه و نداشتن قراین فرهنگی در زبان مقصد مجبور است که مشبه‌به موجود در ساختار تشبیهی را حذف کرده و به شرح آن بسنده کند. البته باید گفت که استفاده از این راهکار در فرآیند ترجمه منجر به بومی‌سازی در متن مقصد می‌شود.

نامه ۶۴: «وَإِنْ تَرُنِّي فَكَمَا قَالَ أَحُوْبِي أَسَدٌ مُسْتَقْبِلِينَ رِيَّاحِ الصَّيْفِ تَضْرِبُهُمْ بِحَاصِبٍ بَيْنَ أُغْوَارٍ وَجُلْمُودٍ».

ترجمه بهرامپور (۱۳۹۶: ۶۵۴): «اگر تو پیش آفتی و با من دیدار کنی (با نیروی کوبنده‌ای روبه‌رو خواهی شد) که شاعر اسدی گفته است: «آنها به استقبال تندباد تابستانی می‌روند که سخت می‌وزد و آنها را با سنگ‌ریزه در میان غبار و تخته‌سنگ‌ها در هم می‌کوبد».

در این نامه، امیرالمؤمنین (ع) تقابل خود را با معاویه بسان برخورد بادهای تابستانی با سنگ‌ریزه‌ها می‌داند که به استقبال یکدیگر می‌روند. در این تقابل، بادهای تابستانی و سنگ‌ریزه‌ها به‌عنوان ممیزه‌های فرهنگی شناخته می‌شوند و این گونه به نظر می‌رسد که این ممیزه‌های فرهنگی می‌تواند به‌عنوان مشبه‌های ساختار تشبیهی به شمار رود. آن گونه که ما در فرآیند ترجمه شاهد هستیم، لشکریان معاویه (به‌عنوان مشبه‌به) به‌جای سنگ‌ریزه‌ها و لشکریان امام (ع) (به‌عنوان مشبه‌به دیگر) به‌جای تندبادهای تابستانی که سنگ‌ریزه‌ها را می‌کوبند، می‌تواند ساختار تشبیهی کاملی را ارائه دهد. با این تفسیر که مترجم مشبه‌به‌ها را نادیده گرفته و تنها به شرحی از آن اکتفا کرده است. کاربست چنین ساختاری در فرآیند ترجمه (نادیده گرفتن مشبه‌به و شرح ویژگی‌های شباهت) می‌تواند نقش مسائل فرهنگی را پررنگ کند. بدین صورت که «مترجم با در نظر داشتن جفت اصطلاحات موردنظر فرهنگی و نادیده گرفتن مشبه‌به در ساختار تشبیهی» می‌تواند مفهوم دقیق عبارت زبانی را انتقال دهد (Pierini, 2007: 33).

خطبه ۷۸: «فَأَنْزَلْنَاهُمْ بِأَحْسَنِ مَنَازِلِ الْقُرْآنِ وَ رَدُّوهُمْ وَرُودَ الْهَيْمِ الْعِطَاشِ».

ترجمه بهرامپور (۱۳۹۶: ۱۴۵): «پس ای مردم! عترت را در بهترین جایگاه‌های قرآن بدانید و دوستشان بدارید و مانند شتران تشنه، به سویشان روی آورید و از چشمه وجودشان معرفت بنوشید».

در این خطبه امیر مؤمنان (ع) مردم را به مانند شتران تشنه می‌داند که برای نوشیدن آب به سوی آب می‌شتابند. در این بحث آب نیز به اهل بیت تشبیه شده است که سرچشمه معرفت هستند. در ترجمه تحت‌اللفظی این بحث باید گفت: «... و همانند تشنگان که به سوی آب شتابانند به سویشان هجوم ببرید...». در گام نخست هدف ظاهری متن آشکار می‌شود، اما آنچه در فحوای این هدف نهفته است، تنها نوشیدن آب نیست، بلکه کسب معرفت است. پس این بحث مترجم را وادار به جایگزینی مشبه‌به‌ها با مشبه‌به‌های دیگر می‌کند. این جایگزینی مترجم را در رسیدن به اغراض اصلی خطبه کمک می‌کند. مترجم برای درک بهتر مطلب از چنین راهبردی در ترجمه استفاده کرده است. عبارت «شتران تشنه» را به جای تشنگان (به‌عنوان مشبه‌به) و «به سویشان» را به جای به سوی آب (به‌عنوان مشبه‌به دیگر) جایگزین کرده است که هدف اصلی امام (ع) را به مخاطب منتقل می‌سازد. در این بحث پیشوایان و سردمداران به سرچشمه علم و حکمت و آب گوارا و جویای علم به شخص تشنه تشبیه می‌شوند. تشبیه کردن تشنگان علم به شتران تشنه که برای خوردن آب (کسب معرفت) ازدحام کرده و هجوم می‌آورند، وجه پسندیده ساختار تشبیهی حاضر است. البته باید توجه داشت که ترجمه تحت‌اللفظی در این بخش نمی‌تواند به زیبایی پیام متن مبدأ را به متن مقصد انتقال دهد.

۴-۱-۳. جایگزینی تشبیه با واژگان اصطلاحی بومی ویژه

آنچه در این راهبرد نمود می‌یابد، اختیار مترجم در گزینش واژگان خاص زبانی است. بدین صورت که گاهی مترجم در فرآیند ترجمه وجه شبه موجود در فرهنگ مبدأ را که از ارتباط میان مشبه با مشبه‌به ایجاد می‌شود، نمی‌تواند به خوبی در زبان مقصد دریافت کند. در چنین حالتی وی ناچار است که «با در نظر گرفتن وجه شبه، مشبه‌به را در زبان مقصد با یک

مشبه‌به دیگر جایگزین کرده و سعی کند تا همان وجه شبه موردنظر را نشان دهد» (کشاورز، ۱۳۹۹: ۱۴۶). با این تفسیر باید گفت که نقش مسائل فرهنگی در این راهکار پررنگ است.

خطبه ۱۵۵: «وَجَعَلَ لَهَا أَجْنِحَةً مِنْ لَحْمِهَا تَعْرُجُ بِهَا عِنْدَ الْحَاجَةِ إِلَى الطَّيْرَانِ، كَأَنَّهَا شَطَايَا الْأَذَانِ غَيْرَ ذَوَاتِ رِيشٍ وَلَا قَصَبٍ...».

ترجمه بهرامپور (۱۳۹۶: ۳۰۳): «خدا برای خفاش، بال‌هایی از گوشت بدنش برای پرواز آفرید. این بال‌ها، چون لاله‌های گوشند. بال‌هایی بدون پر و بدون نی‌های تو خالی (استخوان)» (۳۰۳).

در این خطبه امام علی (ع) بال‌های خفاش را از جهت نرمی و کارایی به لاله‌های گوش تشبیه کرده‌اند. عبارتی که قابل توضیح است، ترکیب «شَطَايَا الْأَذَانِ» است. این عبارت در فرهنگ عربی مشتق از واژه «شظیة» است که اشاره به استخوان نرم، غضروف‌ها و... دارد، اما آنچه در ترجمه بهرامپور از این عبارت نمود یافته، ترجمه متناسب با فرهنگ بومی زبان فارسی دارد که وی عبارت «لاله‌های گوش» را به کار بسته است. پیرینی بر این اصل تأکید دارد که «به اعتبار وجه شبهی که در کلام جاری می‌شود، استعمال چنین کاربست‌هایی از ترجمه واژگان خاص فرهنگ ضمن انتقال صریح غرض‌گوینده کلام، منجر به درک درست مخاطب از عبارت فرهنگی مورد نظر می‌شود» (Pierini, 2007: 29). این مسأله نیز در خطبه حاضر نمود یافته است و مترجم به فراخور شرایط فرهنگی خود برای انتقال دقیق اصطلاح و دریافت حقیقی پیام از جانب خواننده کلام از واژه مورد نظر در ترجمه استفاده کرده است.

خطبه ۲۳: «فَإِنَّ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ مَا لَمْ يَغْشَ دَنَاءَةً تَظْهَرُ، فَيَخْشَعُ لَهَا إِذَا ذُكِرَتْ وَ يُغْرَى بِهَا لِئَامِ النَّاسِ كَانَ كَالْفَالِجِ الْيَاسِرِ الَّذِي يَنْتَظِرُ أَوَّلَ فَوْزَةٍ مِنْ قِدَاحِهِ تُوجِبُ لَهُ الْمَغْنَمَ وَ يُرْفَعُ بِهَا عَنْهُ بِهَا الْمَغْرَمُ».

ترجمه بهرامپور (۱۳۹۶: ۶۴): «زیرا مسلمان تا زمانی که دست به عمل زشتی نزده است که از آشکار شدنش شرمنده شود و مورد طعن و سرزنش مردم فرومایه گردد، به مسابقه‌دهنده‌ای می‌ماند که دوست دارد در همان آغاز مسابقه پیروز گردد و سودی به دست آورد».

در خطبه حاضر آنچه نمود یافته تشبیه فرد مؤمن به فرد قماربازی است که در قمار و مسابقه زندگی هم بیم ضرر و هم امید پیروزی در دل دارد. این استدلال از مفهوم عبارت «فالج الیاسر» استنباط می‌شود. درک و دریافت مفهوم دقیق عبارت مزبور منوط به فهم درست از اصطلاحات خاص فرهنگی و زبانی است. مترجم در برخورد با اصطلاح فرهنگی مزبور صرفاً به توضیح موضوعیت شباهت با توجه به ویژگی‌های شباهت پرداخته است و اصطلاح مزبور را تنها یک مسابقه‌دهنده در نظر گرفته است که حکم کلی از آن استنباط می‌شود، اما باید مطابق سخن پیرینی که گفته «تشبیه یک شکل بیانی ویژه است که باید با آن به‌مانند صورت‌های تخصصی رفتار شود تا مقصود آن به‌درستی دانسته شود» (Pierini, 2007: 22) با بیان واژگان اصطلاحی خاص متناسب با عبارت مزبور، آن‌گونه که برحسب شرایط فرهنگی زبان مقصد استنباط می‌شود «قمارباز برنده» به تشبیه مزبور شکلی تخصصی‌تر بخشید تا مفهوم اصلی و هدف ویژه امام (ع) از بیان ترکیب حاضر دریافت شود.

۴-۱-۴. کاهش مفهوم اصلی تشبیه

مفهوم پیرینی از چنین راهکاری تقلیل تشبیه به مفهوم آن است. در این راهکار مترجم در فرآیند ترجمه «نه می‌تواند از ترجمه تحت‌اللفظی استفاده کند و نه می‌تواند جایگزین مناسبی برای مشابه به بیاید» (کشاوری، ۱۳۹۹: ۱۴۸) خود تشبیه را نادیده گرفته و مفهوم آن را بیان می‌کند. در واقع در این بحث هدف اصلی خود تشبیه نیست، بلکه هدف مفهوم و غرض آن است که به‌درستی به مخاطبان منتقل شود. البته به باور پژوهندگان استفاده از این روش پسندیده نیست، چراکه حذف یا کاهش تشبیه در مواردی می‌تواند به غنای ادبی کلام آسیب برساند.

خطبه ۱۰۳: «فَكَأَنَّ مَا هُوَ كَائِنٌ مِنَ الْآخِرَةِ عَمَّا قَلِيلٍ لَمْ يَزَلْ، وَكُلُّ مَعْدُودٍ مُنْقَضٍ وَكُلُّ مُتَوَقِّعٍ آتٍ وَكُلُّ آتٍ قَرِيبٌ دَانَ».

ترجمه بهرامپور (۱۳۹۶: ۱۹۳): «پس به‌زودی خواهید دانست که از آنچه در دنیا وجود داشت، گویی چیزی نمانده و آنچه از آخرت است، خواهید دید که جاویدان خواهد ماند. هر چیزی که به شمار آید پایان می‌پذیرد و هر آنچه انتظارش را می‌کشیدید خواهد آمد و آنچه آمدنی است به‌زودی از راه می‌رسد».

مترجم در ترجمه بدون در نظر گرفتن ساختار تشبیهی به بیان مفهوم گفتار «فَكَانَ مَا هُوَ كَأَنَّ مِنَ الْآخِرَةِ ... كُلُّ مَعْدُودٍ مُنْقَضٍ» پرداخته است. آنچه در گفتار مزبور از لحاظ تشبیهی نمود یافته، تشبیه متاع دنیا به معدوم بودن و نیستی است. همچنین امیرالمؤمنین (ع) عدم حضور آخرت را در حال حاضر به سبب عقاب‌ها و ثواب‌ها است که در آینده‌ای روبه‌روی انسان قرار خواهند گرفت، می‌داند و به همین جهت آن را به وجود دائم و ثابت تشبیه فرموده است که انسان در هر حال باید به آن توجه داشته باشد و از متاع دنیوی که گذرا و معدوم است، پرهیزد. باید گفت که «ذکر تشبیه با بیان مفهوم آن در ساختار متن دارای ویژگی حسی است که معنای موردنیاز فرهنگ مبدأ را به متلقى (گیرنده) مشخص می‌سازد» (الهلال و سعید، ۲۰۱۸: ۱۳). با در نظر داشتن این ویژگی، مترجم هر چند در ترجمه ساختار تشبیهی حاضر فقط به ایراد مفهوم آن پرداخته و بیان چنین ساختاری را در متن ترجمه نادیده گرفته، اما توانسته است غرض اصلی کلام را به مخاطب زبان مقصد که پرهیز از توجه به متاع زودگذر دنیوی است، انتقال دهد.

خطبه ۲۸: «أَلَا فَاعْمَلُوا فِي الرِّغْبَةِ كَمَا تَعْمَلُونَ فِي الرِّهْبَةِ. أَلَا وَإِنِّي لَمْ أَرَ كَالْجَنَّةِ نَامَ طَالِبُهَا وَلَا كَالنَّارِ نَامَ هَارِبُهَا».

ترجمه بهرامپور (۱۳۹۶: ۷۳): «بدان که هرگز چیزی مانند بهشت را ندیدم که مشتاقان آن در خواب غفلت باشند و نه چیزی مانند دوزخ که فراریان از آن این گونه آسوده بخوابند».

در خطبه ۲۸ نیز امیر مؤمنان (ع) افراد غافل را به مانند انسان خوابیده و بیهوشی می‌داند که به عقوبت کارهای خود نمی‌اندیشند و این چنین آسوده به خواب غفلت می‌روند. امام (ع) در گفتار «لَمْ أَرَ كَالْجَنَّةِ نَامَ طَالِبُهَا وَلَا كَالنَّارِ نَامَ هَارِبُهَا» به دو نکته اشاره فرمودند: «نکته اول معتقدان به بهشت و دوزخ را که در خوابگاه طبیعت خفته‌اند، آگاه فرموده که بیدار شوند و خود را برای به‌جا آوردن اعمال در جهت سرانجام خوش یا ناخوش آینده آماده کنند. نکته دوم اینکه گویا امام (ع) از کسی که به بهشت یقین دارد و با این حال از انجام کارهایی که او را به آن نعمت‌ها برساند سر باز می‌زند، اظهار شگفتی می‌کنند و نیز کسی که دوزخ را پیش رو دارد و غفلت می‌کند و وسیله نجات خود را از آن فراهم نمی‌سازد به دیده اعجاب می‌نگرد» (شفائی مقدم، ۱۳۸۵: ۸۹).

مترجم در عبارت مزبور ضمن در نظر داشتن چنین وجه شبه‌ی به بیان مفهوم گزاره تشبیهی می‌پردازد. مترجم در چنین کاربستی با توضیح مفهوم گزاره تشبیهی حاضر ضمن رعایت ویژگی‌های حسی شباهت، غرض امام (ع) را به مخاطب فرهنگ مقصد منتقل می‌سازد.

۴-۱-۵. حفظ تشبیه با توضیح ویژگی‌های شباهت

پیرینی در این راهکار ضمن ملاک قرار دادن تفاوت‌های فرهنگی، مترجم را در فرآیند ترجمه به حفظ مشبه‌به مخیر می‌گرداند. از آنجایی که ممکن است وجه شبه برای گیرنده کلام نامفهوم و مبهم باشد، مترجم می‌تواند به شرح ویژگی‌های مشبه‌به و ویژگی‌های وجه شبه بپردازد.

خطبه ۳۱: «لَا تَلْقَيْنَ طَلْحَةَ فَإِنَّكَ إِن تَلَقْتَهُ تَجِدُهُ كَالثَّوْرِ عَاقِصاً...».

ترجمه بهرامپور (۱۳۹۶: ۷۷): «ای ابن عباس! با طلحه دیدار نکن. در برخورد با او خواهی دید چون گاو وحشی است که شاخش را تابیده است...».

در خطبه ۳۱ شاهد یک ساختار تشبیهی دیگری هستیم که امیرالمؤمنین (ع) آن را خطاب به ابن عباس در جنگ جمل و در باب طلحه بیان داشته است. در این ترکیب طلحه به گاو وحشی تشبیه شده است که در میدان جنگ شاخ خود را همچون گاو خشمگین تیز می‌کند. مترجم در فرآیند ترجمه از عبارت زبانی «چون گاو وحشی است که شاخش را تابیده است» استفاده کرده است. در این ترکیب تشبیهی آنچه مدنظر قرار گرفته شده، وجه شبه ترکیب تشبیهی است. وجه شبه حاضر (تاییدن شاخ) ممکن است برای مخاطب زبان مقصد بی‌مفهوم باشد؛ به‌خصوص آنکه این وجه شبه میان مشبه آدمی (طلحه) و مشبه‌به غیر آدمی (گاو) در نظر گرفته شده است. همچنین عبارت «عاقصاً» در ترجمه تحت‌اللفظی «چرخاندن و حلقه زدن» تعبیر می‌شود. در ترجمه حاضر می‌بینیم که مترجم وجه شبه «عاقصاً» را به ترجمه اضافه کرده و مشبه‌به «الثور» را در ترجمه حفظ کرده است. مترجم با چنین افزودنی به مشبه‌به در متن ترجمه، فهم اصل مفهوم وجه شبه را برای مخاطب آسان‌تر کرده است.

خطبه ۱۲۳: «وَكَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَيْكُمْ تَكْشُونَ كَشْيِشَ الضَّبَابِ، لَا تَأْخُذُونَ حَقًّا وَلَا تَمْنَعُونَ ضَيْمًا؛ قَدْ خُلِيتُمْ وَالطَّرِيقَ، فَالْنَجَاةُ لِلْمُفْتَحِمِ وَالْهَلَكَةُ لِلْمُتَلَمِّمِ».

ترجمه بهرامپور (۱۳۹۶: ۲۴۳): «گوئی شما را می‌بینم که از جنگ می‌گریزید که صدای همهمه و ناله شما چون صدای ازدحام سوسمارها در وقت حرکت است، نه حق را می‌ستانید و نه ستمی را باز می‌دارید. اینک این شما و این راه حق. نجات برای کسی است که نترسد و خود را به میدان افکند و هلاکت برای کسی است که ستمی ورزد».

در خطبه ۱۲۳، امام (ع) فرار یاران خود را از معرکه به فرار سوسماران تشبیه کردند. ایشان واژه «كَشْيِشَ الضَّبَابِ» را برای توصیف نحوه فرار یاران خود از جنگ با دشمنان قرار داده است. چگونگی این فرار نیز از واژه مزبور حاصل می‌شود. در این گفتار فرار سوسماران مشبه به ساختار تشبیهی است و نوع فرار وجه شبه ترکیب تشبیهی است، چرا که سوسمارها به هنگام ترس و ازدحام، پوست‌های خود را به هم می‌سایند و صدایی نرم را تولید می‌کنند که به وقت فرار ایجاد می‌شود. در واقع مراد امام (ع) چگونگی فرار افراد است که هنگام اضطراب به چگونگی فرار سوسماران تشبیه شده است. چنین برداشتی ناشی از تفاوت فرهنگی است که در فرآیند ترجمه بازتاب یافته است. مترجم متناسب با شرایط زبانی گفته شده به معادل‌یابی نسبی فرهنگی از اصطلاح حاضر در چهارچوب (حفظ مشبه به با شرح وجه شبه) پرداخته است.

۴-۱-۶. حذف تشبیه

در این روش ممکن است مترجم در فرآیند ترجمه، تشبیه را حذف کند. علت این حذف می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. از مهم‌ترین این علل این است که مترجم نتواند معادل فرهنگی مناسبی در فرهنگ بومی خود پیدا کند و یا نیازی به بیان تشبیه در متن ترجمه‌ای نداشته باشد که حذف آن خللی در روند دریافت مفهوم متن ایجاد نکند و به ساختار متن آسیب نرساند.

نامه ۴۵: «وَسَاجْهَدُ فِي أَنْ أُطَهَرَ الْأَرْضَ مِنْ هَذَا الشَّخْصِ الْمَعْكُوسِ وَالْجِسْمِ الْمَرْكُوسِ، حَتَّى تَخْرُجَ الْمَدْرَةُ مِنْ بَيْنِ حَبِّ الْحَصِيدِ»

ترجمه بهرامپور (۱۳۹۶: ۶۰۰): «من تلاش می‌کنم که زمین را از لوث وجود این شخص مسخ شده و این وجود کج‌اندیش (یعنی معاویه)، پاک سازم تا سنگریزه‌ها از دانه‌های درو شده جدا گردد».

در ترجمه حاضر شاهد ارائه یک تشبیه پنهان میان ساختارهای زبانی هستیم. مترجم در عبارت «سنگریزه‌ها از دانه‌های درو شده جدا شود» چنین ترکیب تشبیهی را به صورت غیرمستقیم بیان داشته است. در واقع عبارت «الشَّخْصِ الْمَعْكُوسِ وَالْجِسْمِ الْمَرْكُوسِ» به «الْمَدْرَةُ» تشبیه شده است؛ یعنی «شخص واژگون و جسم سرنگون به دانه کلوخ». علاوه بر این، عبارت «حَبِّ الْحَصِيدِ: دانه‌های گندم» به افراد مؤمن تشبیه شده است. در این عبارت «دانه کلوخ، معاویه و دانه درو شده، مؤمنان هستند و وجه شبه آن است که مؤمنان از وجود معاویه، خالص و آن‌ها (مؤمنان) را از هم جدا می‌کنند تا ایمانشان رشد کند و دینشان استوار شود» (شفائی مقدم، ۱۳۸۵: ۱۰۸).

در ترجمه شاهد بیان مستقیم ترکیب تشبیهی نیستیم و علت آن، این است که نیازی به بیان ساختار تشبیهی به جهت اطناب کلام نداشته است. باید گفت «حذف تشبیه، زمانی کارایی دارد که در یک ساختار مجازی پیچیده رخ دهد» (Pierini, 2007: 38) و آسیبی به مفهوم متن نرساند. بر این اساس مترجم عبارت زبانی مزبور را به عنوان یک ساختار تشبیهی پیچیده بر اساس فرآیند «حذف تشبیه» ترجمه کرده است.

۴-۲. صفات مرکب

در بحث از صفات مرکب هدف مترجم مطابقت فرهنگی عناصر خاص زبانی است. آن گونه که برای مخاطب قابل فهم باشد. در این بحث با دو زیرمجموعه جابه‌جایی و سازگاری فرهنگی روبه‌رو هستیم که در ذیل به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۴-۲-۱. جابه‌جایی و جایگذاری فرهنگی

در این راهبرد مترجم با در نظر داشتن اصطلاحات خاص زبانی و نیز با افزودن حروف اضافی وجه مفهومی دیگر لفظ مورد نظر را در ترجمه و در سطح واژگان بازتاب می‌نماید.

خطبه ۴۲: «أَلَا وَ إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ وَلَتْ حَذَاءَ فَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا صُيُوبَةُ كَصُيُوبَةِ الْإِنَاءِ اصْطَبَهَا صَابِهَا؛ أَلَا وَ إِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ أَقْبَلَتْ».

ترجمه بهرامپور (۱۳۹۶: ۹۱): «بدانید که دنیا به سرعت پشت کرده و از آن جز اندکی باقی نمانده است، به اندازه‌ی ته‌مانده‌ی کاسه‌ی آبی که دورش می‌ریزند. به هوش باشید که آخرت در راه است».

در عبارت «صُيُوبَةُ كَصُيُوبَةِ الْإِنَاءِ» آنچه به ظاهر نمود یافته است، برقراری ساختار تشبیهی همسو و همگون با الگوی صفت مرکب پیرینی است. کاربرد راهبرد «صفت + حرف اضافه + صفت + اسم» که سویه‌ای از الگوی مورد نظر پیرینی بوده است، ضمن نمایان ساختن ساختار تشبیهی، مبین غرض اصلی گوینده کلام بوده است. مترجم در فرآیند ترجمه به نوعی شاکله‌ی اصلی ساختار تشبیهی را بر اساس الگوی صفات مرکب حفظ کرده است. ارتباط میان صفت نخست با صفت دوم و در راستای آن ارتباط صفات مرکب حاضر با موصوف (الإناء) به وسیله‌ی حرف تشبیهی صورت پذیرفته است که این ارتباط نیز در ترجمه مترجم دیده شده است. در واقع هدف امیرالمؤمنین (ع) از بیان چنین ساختاری (ذکر صفات مرکب)، بازگو کردن دقیق وجه شباهت بوده است. مترجم با رعایت ساختار مزبور سعی در انتقال واقعی مقصود امام (ع) به مخاطب بوده است.

همچنین در خطبه ۱۱۰ نهج البلاغه با مضمون «وإن العالمَ العامِلَ بغيرِ علمِهِ كالجَاهِلِ الحائرِ الذی لا یستقیقُ من جهلِهِ» عبارت مشخص شده طبق الگوی «صفت + صفت + حرف اضافه + صفت + صفت» بیان شده است. در چنین ساختاری «هر یک از اجزای تشکیل دهنده از وضعیت برابری نسبت به یکدیگر برخوردار هستند و ضمن اینکه قابلیت تفسیر یا ترجمه شدن دارند، می‌توانند فضای معنایی عام گفتار را نشان دهند» (Pierini, 2015: 18). با در نظر داشتن چنین اصلی می‌توان برداشت واقعی از غرض گوینده کلام داشت.

۴-۲-۲. سازگاری فرهنگی

در بحث سازگاری فرهنگی، مترجم متناسب با فرهنگ خود و نیز براساس تفسیر خود از کل ساختار متن، ترکیب موردنظر را حذف کرده و یک‌بند را دوباره براساس فرهنگ بومی خود بازنویسی می‌کند. در واقع بحث اصلی معطوف به ساختار متنی است.

خطبه ۱۶۵: «كَأَنَّهُ مُتَلَفَعٌ بِمِعْجَرِ أَسْحَمَ، إِلَّا أَنَّهُ يُخِيلُ لِكَثْرَةِ مَائِهِ وَشِدَّةِ بَرِيْقِهِ أَنْ الْخُضْرَةَ النَّاضِرَةَ مُمْتَزِجَةً بِهِ وَ مَعَ فَتَقٍ سَمِعَهُ خَطَّ كَمُسْتَدَقِ الْقَلَمِ فِي لَوْنِ الْأَقْحُوَانِ أَيْبُضٌ يُقَقُّ فَهُوَ بِيَاضِهِ فِي سَوَادِ مَا هُنَالِكَ يَا تَلِيْقُ».

ترجمه بهرامپور (۱۳۹۶: ۳۳۴): «در اطراف گردنش گویا چادری سیاه افکنده‌اند که رنگی شاداب دارد، می‌پنداری با رنگ سبز تندی درهم آمیخته است. در کنار شکاف گوش، خطی بسیار سفید مانند گل بابونه است و آن سفیدی در میان رنگ سیاه اطرافش خوش می‌درخشد و جلوه خاصی دارد».

در خطبه ۱۶۵، امام علی (ع) با بیان ترکیب «الْخُضْرَةَ النَّاضِرَةَ مُمْتَزِجَةً» از ساختار «صفت + صفت + صفت» استفاده کرده است. این الگو همچون صفت مرکب به‌عنوان یک نمونه و طرح مولد تعریف شده است؛ یعنی در فضاهای معنایی گسترده‌ای قابلیت ترجمه و تفسیر دارد که نمونه بارز آن در ترکیب مزبور نمود یافته است. این عبارت در ترجمه لفظ به لفظ «سبزی چشم‌نواز» خوانده می‌شود که مترجم در ترجمه، وراى ترجمه تحت‌اللفظی را جست‌وجو می‌کند و متناسب با فرهنگ زبانی خود به بازنویسی و بازگویی مجدد آن می‌پردازد. مطابق ترجمه ارتباطی و آزاد مترجم، عبارت حاضر «رنگ سبز درهم آمیخته» ترجمه شده است. همچنین در ادامه گزاره مزبور، جمله‌واره «لَوْنِ الْأَقْحُوَانِ أَيْبُضٌ يُقَقُّ» بیان شده است. مترجم در فرآیند ترجمه این عبارت ضمن ملاک قرار دادن بافتار صفت مرکب، برحسب فرهنگ زبانی خود به بازنویسی از آن پرداخته است. این بازنویسی‌ها و بازگویی‌های گزاره‌های مذکور به گونه‌ای ارائه شده است که مخاطب بتواند به هدف اصلی کلام دست یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

با بررسی هر یک از نمونه‌های موردنظر می‌توان به نتایج مهمی دست یافت که در ادامه به آن‌ها اشاره شده است.

در بحث از ترجمه، تعادل ترجمه‌ای مرتبط با معیارهای عمومی زبان (شرایط اجتماعی و فرهنگی، نحوه کاربرد زبان و...) اولویت نخست مترجم قرار می‌گیرد که میزان کفایت و مقبولیت ترجمه با معیارهای مربوط به گونه‌های خاص زبانی سنجیده می‌شود. مقصود مترجم از ارائه ترجمه، بازتولید طبیعی متن متناسب با فرهنگ و زبان مورد هدف است. در این بازتولید اطلاعات به صورت کاربردی و به فراخور فهم عمومی استفاده می‌شوند. در مقاله حاضر محدوده پژوهش پیرامون چگونگی ترجمه تشبیه و صفات مرکب از نهج البلاغه صورت پذیرفته است. مترجم در فرآیند ترجمه از شش روش تشبیه و دوروش صفات مرکب ارائه شده توسط پیرینی استفاده کرده است. از آنجایی که مترجم سعی خود را در ترجمه آزاد، ارتباطی و ادبی کرده است، می‌توان روش‌های ارائه‌شده پیرینی را در این ترجمه به کار بست.

عملکرد تشبیهات در متن در عین اینکه به راحتی قابل تشخیص‌اند، اما بسیار پیچیده هستند. این تشبیهات در ساختار متن شامل ملاحظات معنایی و فرهنگی است. ارتباط دادن ویژگی‌های تشابه به وسیله ادات تشبیه در ساختار متن می‌تواند این ملاحظات معنایی و فرهنگی را نشان دهد. بهرامپور با در نظر داشتن این ملاحظات و ماهیت‌ها میان دو زبان مبدأ و مقصد به ترجمه نمونه‌های مزبور در متن پرداخته است. مترجم برای تقارن معنایی و فرهنگی به عوامل کلان مانند گونه خاص زبانی و شرایط مخاطبان و همچنین عوامل خرد به مانند نوع، ساختار و عملکرد تشبیه، چگونگی ارتباط تشبیه با پیام متن و در بحث آخر منابع موجود و مقارن با واژگان موردنظر توجه کرده است. به فراخور این توجه، مترجم در مواجهه با ترجمه تشبیهات مزبور، ترجمه ارتباطی همگونی با فرهنگ زبانی ارائه داده است. در راستای این ترجمه، فضای معنایی عبارات و ترکیب‌های موردنظر متناسب با عناصر فرهنگی عام زبان مقصد شکل یافته است و مخاطب مطابق ترجمه ارتباطی حاضر به غرض اصلی عبارات مزبور دست می‌یابد. هدف مترجم در ارائه این ترجمه، تقارن معنایی و تقارن ماهیت‌های فرهنگی متناسب با تشبیهات اصطلاحی بوده است.

در بحث از صفات مرکب، مترجم به دو بعد واژگانی و جمله در ساختار متنی توجه داشته است. مترجم در این دو بعد متأثر از عوامل مختلف زبانی، فرهنگی و عملی بوده است. در این بحث نیز عدم تقارن زبانی و فرهنگی مسأله مهمی را برای مترجم ایجاد می‌کند. در نمونه‌های موردی مزبور، مترجم از دو راهبرد جابه‌جایی و سازگاری فرهنگی توانسته بر این چالش‌ها فائق آید و ترجمه‌ای درخور فرهنگ بومی ارائه دهد. برای نمونه می‌توان به واژه «الْخُضْرَةَ النَّاصِرَةَ مُمْتَرِجَةً» یا «لَوْنِ الْأَقْحُوَانِ أَيْضُ يُفَقُّ» اشاره کرد. ترجمه تحت‌اللفظی گفتار حاضر در ساختار متن کمکی برای درک غرض امام (ع) نمی‌کند. مترجم متناسب با ساختار زبانی و نیز متناسب با فرهنگ زبانی خود اقدام به جابه‌جایی و سازگاری فرهنگی می‌کند. مترجم به وسیله این دو راهبرد توانسته غرض امام (ع) را به مخاطب به درستی انتقال دهد.

در پاسخ به پرسش‌های پژوهش باید گفت مترجم سواى بحث ترجمه، اصولاً به دنبال تقارن فرهنگی بوده است و این مسأله در اغلب نمونه‌های ترکیب‌های تشبیهی و صفات مرکب حاکم بوده است. مترجم در بررسی اکثر شواهد به وجوه فرهنگی و بوم‌شناسی اصطلاحات زبانی توجه داشته است. ماحصل تمامی بررسی‌ها منتج به معادل‌یابی‌های نسبی فرهنگی شده است، چراکه آن‌گونه که شاهد هستیم هدف ترجمه، انتقال صریح مفهوم ترکیب‌های زبانی بدون هرگونه تحریفی بوده است. همچنین بیشترین بسامد کاربست‌های الگوواره‌ها در بحث تشبیه، نخست به راهبرد «حفظ صورت تشبیه» و در گام‌های دیگر اختصاص به جایگزینی تشبیه با شرح و جایگزینی با واژگان اصطلاحی بومی ویژه داشته است. همچنین در بحث از صفات مرکب دو بُعد سازگاری و جایگذاری فرهنگی به یک اندازه توانسته غرض اصلی ترجمه را انتقال دهد.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Ali Sayadani



<https://orcid.org/0000-0001-5773-6092>

Yazdan Heydarpour



<https://orcid.org/0000-0002-1535-2733>

Marand

منابع

- ابراهیم الهلال، خلیل عبدالسادة و سعيد، حوراء عبد على. (۲۰۱۸). الصورة التشبيهية في نهج البلاغة. مجلة اللغة العربية و آدابها جامعة الكوفة، ۱(۲۷)، ۲۰-۱۱.
- الدسوقي، محمد السيد أحمد. (۲۰۰۷). شعرية الفن الكنائى بين (البعد المعجمى و الفضاء الدلالى المنفتح، كفر الشيخ). مصر: دارالعلم و الإيمان للنشر و التوزيع.
- بهرامپور، ابوالفضل. (۱۳۹۶). نهج البلاغه (ترجمه روان با شرح واژگان). قم: آواى قرآن.
- زيتون، على. (۱۹۹۷). دور التشبيه الدلالى فى نهج البلاغه. مجلة المنهاج، (۲)، ۲۰۵-۲۴۱.
- شفائى مقدم، زهرا. (۱۳۸۵). فرهنگ جامع علمى - ادبى نهج البلاغه، دفتر اول: تشبيهات. اصفهان: مؤسسه مطالعات و انتشارات قرآنى پيام صادق.
- كشاورز، حبيب. (۲۰۰۷). معادل يابى تشبيه در ترجمه عربى رمان سمفونى مردگان براساس الكوى پيرينى. مجله پژوهش‌هاى ترجمه در زبان و ادبيات عربى، ۱۰(۲۳)، ۱۳۹-۱۵۶.
- نورعوض، يوسف. (۱۹۸۸). علم النص و نظرية الترجمة. مكة المكرمة: دارالثقة للنشر و التوزيع.

References

- Al-Dosughi, M. S. A. (2007). *Metaphorical Poetic art between the Lexical Dimension and External Semantic Texture*. Kafr El Sheikh, Egypt: Dar al-Ilm va Al-Iman li Nashr va al-Towzi'. [In Arabic]
- Al-Hilal, I., Kh. A., & Saeed, H, A. A. (2018). Simile in Nahj al-Balaghah. *Journal of Arabic Language and Literature of Kufa University*, 27(1), 11-20. [In Arabic]
- Bahrampour, A. (2017). *Readable Translation and Explanation of Words of Nahj al-Balaghah*. Qom: Avaye Quran. [In Persian]
- Fauziah, R. (2017). *The Translation Strategy of Figurative Language in a Song of the Sea by Hsu Chin Mo's poetry (Unpublished master's thesis)*. Islamic University Syarif Hidayatullah, Jakarta, Indonesia.
- Keshavarz, H. (2007). Equivalence of Similes in the Arabic Translation of the Symphony of the Dead novel based on the Pierini's model (2007). *Translation Researches in the Arabic Language and Literature*, 10(23), 139-156. [In Persian]

- Larson, M. (1998). *Meaning-based Translation (A guide to cross language equivalence)* (2nd ed.). New York, NY: University Press of America. [In English]
- Nouravaz, Y. (1988). *Textology and Translation Theory*. Mecca, Saudi Arabia: Dar al-Segha li Nashr va al-Towzi'. [In Arabic]
- Pierini, P. (2007). Quality in web Translation: An Investigation into UK and Italian Tourism web Sites. *The Journal of Specialised Translation*, 8-July, 85-103.
- _____. (2007). Simile in English: From Description to Translation. *Círculo de Lingüística Aplicada a la Comunicación (CLAC)*, 29, 21-43.
- _____. (2015). Translating English Compound Adjectives into Italian: Problems and Strategies. *Translation and Interpreting*, 7(2), 17-29.
- Raza, A., Rubbani, A., & Akram, I. (2014). Syntactic Features of Simile in English Learners Corpora. *Journal of English Language Pedagogy and Practice*, 6, 17-21.
- Shafaie Moghaddam, Z. (2006). *Complete Scientific-literary Encyclopedia of Nahj al-Balaghah* (Vol. 1). Isfahan: Payam Sadegh Research and Publishing Institute. [In Persian]
- Shamsaeefard, M., Falahati Qadimi Fumani, M., & Nemati, A. (2013). Strategies or Translation of Similes in four Different Persian Translation of Hamlet. *Linguistics and Literature Studies*, 1(3), 164-168.
- Shamsaeefard, M., Falahati Qadimi Fumani, M., & Nemati, A. (2013). Strategies or Translation of Similes in four Different Persian Translation of Hamlet. *Linguistics and Literature Studies*, 1(3), 164-168.
- Zeitoun, A. (1997). The Role of Semantic Simile in Nahj al-Balaghah. *Al-Mihaj Journal*, 2, 205-241. [In Arabic]

استناد به این مقاله: صیادانی، علی، حیدرپور مرند، یزدان. (۱۴۰۱). برابریابی‌های تشبیه و صفات مرکب در ترجمه خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه براساس الگوی بومی‌گزینی پیرینی (مطالعه موردی: ترجمه بهرامپور). *دوفصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۱۲(۲۶)، ۱۶۵-۱۹۳. Doi: 10.22054/RCTALL.2022.65424.1598



Translation Researches in the Arabic Language and Literature is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.